

۱- راهبرد کلی آمریکا چیست؟

در یک جمله راهبرد آمریکا در محیط امنیت ملی و سیاست خارجی «استاندارد کردن ایران» است. آمریکایی‌ها مدت‌هاست می‌دانند براندازی یکباره در ایران ممکن نیست، آنچه آمریکا در پی آن است- و از این حیث تفاوتی هم میان ترامپ و اوباما نیست- این است که رفتار ایران باید بتدریج تغییر کند. اولویت هم در این میان، با حوزه‌هایی است که آمریکا از آنها نگرانی فوری دارد. برای رسیدن به این هدف، نوعی ریل‌گذاری راهبردی آغاز شده با مضمون ساختن دوقطبی‌های «اقتصاد-امنیت ملی» که جامعه را از تبعات اقتصادی پیگیری برنامه‌های امنیت ملی نظیر برنامه موشکی و منطقه‌ای بترساند و سپس ایران را در فرآیندهای مذاکراتی وارد کند که منتهای آن اجرای مدل برجام (تعریف‌های دوطرفه، به رسمیت شناختن نگرانی‌های پذیرش استثنا بودن، اعتمادسازی، تبدیل کردن همکاری به عادت و تعطیلی برنامه در میان مدت) درباره برنامه موشکی و منطقه‌ای خواهد بود. برای اینکه چنین دوقطبی‌هایی قابل ساختن باشد، در محیط داخلی، همسو کردن، سرعت دادن و سازمان دادن به تغییرات اجتماعی و تبدیل آنها به تغییرات سیاسی در دستور کار قرار دارد. نتیجه این فرآیند، از دید آمریکا، انقلاب‌زدایی از ایران از طریق تولید دوقطبی‌های جعلی و تغییر محاسبات رهبران تحت فشار اجتماعی خواهد بود، چیزی که تصور می‌کنند در موضوع هسته‌ای اعمال شده و در موضوعات دیگر هم قابل تکرار است.

این امر هم‌زمان با تلاش جدی برای تغییر سبک زندگی در حوزه فرهنگ و جامعه و وابسته‌سازی اقتصادی به‌گونه‌ای است که «هیچکس در ایران نتواند هزینه تحریم جدید را بپذیرد».

این توصیفات کوتاه، تصویری است اجمالی ولی دقیق از برنامه‌ای که آمریکا پس از برجام در ایران قصد اجرای آن را داشت - و دارد - این همان چیزی است که اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا زمانی آن را «روح برجام» خوانده است. این حرف درستی است که برجام روحی دارد و جسمی، جسم برجام توافق نیمه‌جانی است که می‌بینیم، روح آن اما این است که ایران خودش به این ارزیابی برسد که انقلابی بودن به نفع آن نیست. روح برجام، استاندارد کردن ایران و مهار آن در یک چارچوب بسیار بزرگ‌تر از برنامه هسته‌ای است. این چیزی است که اوباما ۵ اگوست ۲۰۱۵ در دانشگاه امریکن آن را استراتژی «پیروزی بدون شلیک حتی یک گلوله» خواند. مهم‌ترین ابزار برای تحقق این هدف نیز بازی با ابزار تحریم‌ها در میان مدت و گروگان گرفتن گشایش اقتصادی برای وادار کردن ایران به توافقاتی فراتر از برنامه هسته‌ای است. اجازه بدهید صریح‌تر باشیم: روح برجام در واقع این است که آمریکا می‌گوید: «در موضوع هسته‌ای روی کاغذ امتیازهایی گرفتید حالا بیاوید در موضوعات دیگر بدون اینکه امتیازی بگیریید همان کاری را بکنید که ما می‌خواهیم»!

۲- داستان برنامه موشکی چیست؟

در این چارچوب اکنون می‌توان این سؤال را پرسید که چرا آمریکا روی مسأله برنامه موشکی ایران تمرکز کرده است (درباره برنامه هسته‌ای در مقاله‌های جداگانه به تفصیل سخن خواهیم گفت).

یادداشت امروز

چرا مذاکره موشکی و منطقه‌ای نمی‌کنیم؟

■ مهدی محمدی



تهدیدی تولید شده باشد، به حداقل ۲ چیز دیگر هم نیاز دارند: ۱- تولید اجماع بین‌المللی ۲- مهم‌تر، وجود شریک سازشکار در داخل.

دومی مهم‌تر است؛ چرا؟

۱- جریان سازشکار است که فشار را از طریق ایجاد درگیری داخلی بدل به نتیجه می‌کند. این آزمایش نفوذی خوانند- به عامل جدید اختلاف و تنش در افکار عمومی داخلی ایران تبدیل کند. آمریکایی‌ها مدت‌هاست به صراحت گفته‌اند وجود یک جریان حامی سازش در داخل ایران که به موازات فشار آنها از بیرون در داخل ندای سازش سر بدهد، «مکمل تحریم‌ها» است و بدون سر داده شدن ندای سازش، پروژه تحریم ابر می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد. افکار عمومی ایران اکنون در حمایت از برنامه موشکی و منطقه‌ای یکپارچه است اما شنیده شدن برخی ندهای خیانت‌بار در گوشه و کنار در این باره که باید درباره موشک و منطقه هم معامله کرد، در واقع ارسال این آدرس به آمریکاست که تحریم‌ها و فشارهای خود بر ایران را بیشتر کند و منتظر بماند تا مطالبه سازش فراموشی در بدنه افکار عمومی ایران شکل بگیرد. این جمله را به صراحت باید گفت تا زمانی که این جریان خطرناک در ایران وجود دارد آمریکا نیازی به حمله به ایران ندارد. سازشکاران ایرانی با صاف کردن جاده تحریم، چیزی را به آمریکا تقدیم می‌کنند که با جنگ هم نمی‌تواند به دست بیاورد. این تعبیر اکنون - و پس از تجربه برجام - کاملا دقیق است که بگویم جریان سازش در ایران از ارتش آمریکا هم خطرناک‌تر است.

■ نگرانی واقعی در کجاست؟

ایسی جامعه ایرانی باید نگران باشد که برنامه موشکی می‌تواند منجر به آغاز دوران جدید فشار بر ایران شود؟ از حیث راهبردی، این ارزیابی بسیار سطحی است. آمریکایی‌ها برای اینکه تصمیم بگیرند در یک حوزه فشار بیاورند علاوه بر اینکه در آن حوزه فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دربارۀ توزیع کمک‌ها می‌گویند، با همکاری هلال احمر و استانداری و کمک‌های مردمی، کار توزیع چادر در دورافتاده‌ترین مناطق زلزله‌زده در بامداد چهارمین روز پس از زلزله به پایان رسید. غذا و آب و پتو آنقدری هست که بسیاری از کمک‌ها و آذوقه‌ها برای هفته‌های آتی ذخیره‌سازی شده است. هواپیمایی که توسط رسانه‌های مجازی ضدانقلاب، فرانسوی نامیده شده بود، «کارگو»ی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. کانال خبری منتشرکننده خبر کمک ولیعهد ابوظبی یک سایت دسته چند اماراتی (شبکه العربیه) بود که ابتدا با شبکه «العربیه» اشتباه گرفته شده بود ولی بلافاصله خبرش در میان تمام رسانه‌های امارات و ایران تکذیب شد. عکس معرفی که به سلفی روحانی معروف با آوار به جای مانده از زلزله بود، مربوط به کلیبی بود که حجت‌الاسلام قاسمیان در آن از مردم برای کمک به زلزله‌زدگان طلب کمک می‌کرد. صادق زیباکلام هم درباره کم‌لطفی‌اش نسبت به ارگان‌های امدادرسان در گفت‌وگویی گفت: باید از

ایران هم بخشی از آن باشد، موضوع بسیار مهم‌تری است. ۵- افکار عمومی ایران، دیدگاهی عموماً مثبت به تقویت توان نظامی بویژه برنامه موشکی دارد. قرار داشتن در میانه منطقه‌ای فروپاشیده و در هم‌ریخته که هر روز از گوشه‌های آن تهدید جدی برمی‌خیزد، جامعه ایرانی را در همه لایه‌ها و طبقات آن متقاعد کرده است که سرمایه‌گذاری در حوزه دفاعی یک امر ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است. به همین دلیل است که می‌بینیم پس از «حاج قاسم سلیمانی»، سردار «میرعلی حاجی‌زاده» هم آرام‌آرام در حال بدل شدن به یک چهره محبوب در میان جوانان ایرانی است. یکی از پیش‌نیازهای ضروری برجایزه کردن هر موضوع امنیت ملی در ایران، تخریب ذهنیت جامعه نسبت به آن و قرار دادن آن در دوقطبی با اقتصاد و معیشت است. درست است که آمریکایی‌ها و برخی دوستان‌شان در داخل، تلاش می‌کنند مسیری که درباره برنامه هسته‌ای در لایه‌هایی از افکار عمومی ایران طی شد درباره برنامه موشکی هم تکرار شود ولی هنوز فاصله‌های بسیار و موانعی عبورناپذیر با «قطعه اقدام» دارند.

۶- مذاکره در نهایت به معنای بده‌بستان و کوتاه آمدن از بخش‌هایی از برنامه موشکی خواهد بود.

ضابطه‌های شکل‌دهنده به برد و کیفیت موشک‌های ایران اکنون کاملا دفاعی است. ایران برای اینکه تصمیم بگیرد چه موشکی داشته باشد فقط به این ضابطه متعهد است که با چه تهدیدی مواجه است و بهترین پاسخ به آن تهدید چیست؟ حال تصور کنید برنامه موشکی‌ای که با این منطق شکل گرفته، موضوع مذاکره قرار گیرد. آن وقت ایران باید «ضابطه دفاعی» و «بازدارندگی» را کنار بگذارد و برنامه موشکی خود را بر اساس تفاهم با غرب تعریف کند. مدل لیبی و عراق به ما می‌گوید الگوی رفتار آمریکا در چنین مذاکراتی کاملا خلع سلاحی است و ورود به مذاکرات موشکی همانا و محدود شدن برنامه موشکی به گونه‌ای که دیگر «بازدارنده» نباشد همان. اگر بخواهم صریح باشم باید گفت ورود به مذاکرات موشکی در واقع درگیر شدن در ترتیباتی است که انتهای آن به جنگ با ایران منتهی خواهد شد، چرا که یکی از اصلی‌ترین عواملی را که تاکنون مانع جنگ شده بتدریج تضعیف و حذف می‌کند.

۷- تجربه برجام به ما می‌گوید اساساً با آمریکا نمی‌توان توافق کرد و اگر هم توافقی بشود آمریکا به توافق عمل نخواهد کرد. به چه دلیل ما فکر می‌کنیم در حالی که درباره برنامه کوچکی مثل هسته‌ای کارنامه آمریکا در عمل به تعهداتش چنین فاجعه‌بار است، درباره مسأله بزرگ‌تر منطقه و موشکی، آمریکا کارنامه بهتری خواهد داشت؟ اگر توافقی درباره برنامه موشکی انجام شد و بعد دوباره تحریم‌ها به

به درسر نینداخته باشم؟ چرا باید معاون وقت وزیر خارجه آمریکا بگوید آنچه ایران را به معامله واداشت نه تحریم‌ها، بلکه روی کار آمدن فلان فرد بود؟ اگر کسانی دنبال سرچشمه فشارها می‌گردند نباید آدرس را اشتباه برند. مسأله دقیقاً همین جاست.

■ چرا درباره برنامه موشکی و منطقه‌ای مذاکره نمی‌کنیم؟

۱- هیچ معاهده بین‌المللی یا مقررات الزام‌آور جهانی درباره برنامه موشکی وجود ندارد که بتوان ایران را به تخطی از آن متهم کرد.

۲- روسیه، چین و احتمالاً برخی اعضای غیراروپایی شورای امنیت به دلایل سیاسی فراوان و از جمله به دلیل معادلات پیچیده حاکم بر روابط میان آنها و آمریکا، زیر بار هیچ اقدامی درون شورای امنیت علیه برنامه موشکی ایران نخواهند رفت. در واقع، به تعبیر دقیق‌تر، آمریکا قادر نیست اجماعی را که درون ۵+۱ درباره موضوع هسته‌ای ایجاد کرد، درباره مسأله موشکی بازسازی کند (این مسأله مهمی است؛ اگر به یاد بیاوریم کسانی مانند «دنيس راس» و «مایکل سینک» از فرادای نهایی شدن برجام عقیده داشتند مهم‌ترین سرمایه آمریکا در توافق هسته‌ای با ایران، اجماعی است که درون ۵+۱ ایجاد کرده و اولویت نخست آمریکا باید حفظ این اجماع در سایر موضوعات باشد).

۳- در صورت اقدام یکجانبه شدید و اعمال تحریم علیه ایران به بهانه برنامه موشکی، بدون تردید برجام در ایران به‌خطر خواهد افتاد. آمریکا می‌داند مرزهایی وجود دارد که اگر از آنها عبور کند حتی دولت در ایران نیز قادر به حفظ برجام نخواهد بود.

۴- مسأله موشکی ایران یک تهدید فوری برای آمریکا یا یک اولویت سیاسی - راهبردی برای آن نیست و فعلاً موضوعات منطقه‌ای و ایجاد و حفظ یک چارچوب ژئوپلیتیکی جدید در خاورمیانه که

بهنای دیگر بازگشت، چه کسی پاسخگو است؟ آیا این معنایی جز معتاد کردن هر چه بیشتر آمریکا به گزینه تحریم دارد؟

۸- چیز قابل معامله‌ای برای ما در حوزه منطقه‌ای و موشکی وجود ندارد. ورود به مذاکرات منطقه‌ای با حفظ برجام، یعنی بر سر توان راهبردی هسته‌ای معامله کردیم بر سر امنیت‌مان هم معامله کنیم. ایران در منطقه چه چیزی را می‌خواهد روی میز بگذارد؟ و با چه کسی می‌خواهد تفاهم کند؟ با اسرائیل یا داعش و سعودی؟ و تازه فرض کنیم حتی تفاهمی هم شد، مثلاً اسرائیل در هدف‌هایش ضد ملت ایران تجدیدنظر خواهد کرد؟! آمریکایی‌ها به ما نمی‌گویند بیاوید درباره منطقه تفاهم کنیم، می‌گویند بیاوید در منطقه تسلیم شوید! تازه نه تسلیم آمریکا، بلکه تسلیم سعودی و داعش!

۹- ایران و آمریکا در منطقه نه منافع مشترک دارند و نه راهبرد مشترک. بهترین دلیل آن هم همکاری وسیعی است که آمریکا با سعودی و داعش و تروریست‌های دیگر علیه ایران می‌کند. ایران و آمریکا فقط در رسانه‌ها صحبت نمی‌کنند، بلکه سال‌هاست صبح تا شب در سراسر منطقه عملاً رویاروی هم قرار دارند و تجربه این رویارویی هیچ نیست جز اینکه برجام نه فقط از خصومت آمریکا علیه ایران نکاسته، بلکه آن را به نتیجه‌بخش بودن فشار بر ایران امیدوار هم کرده است. اتفاقاً برجام فرصتی به‌وجود آورد که ما بفهمیم مشکل آمریکا با ایران فقط برنامه هسته‌ای نیست و رفتار آمریکا در حوزه‌های دیگر با ایران بسیار خشن‌تر است.

۱۰- ایران در منطقه در موقعیت پیروزی قرار دارد و ظرفیت موشکی و منطقه‌ای خود را تلفیق کرده است. فهم اینکه در این شرایط درخواست مذاکره از سوی طرف مقابل در واقع صرفاً تاکتیکی برای متوقف شدن پیشرفت‌های ایران و ایجاد اختلاف داخلی درباره گام‌های بعدی است، هوش زیادی نمی‌خواهد. از دید آمریکا، مذاکره تنها روشی است که می‌تواند برتری فعلی ایران را بدل به ضعف کند. ۱۱- در نهایت مذاکرات منطقه‌ای اکنون وجود دارد و به عنوان نمونه در آستانه با منطق مناسبی در حال پیش رفتن است. مسأله فقط این است که حضور آمریکا و سعودی در این مذاکرات ضرورتی ندارد و جز مختل کردن و جلوگیری از نتیجه‌گیری، سودی هم نخواهد داشت.

■ چه باید کرد؟

در طرح‌ریزی امنیت ملی در مقابل فشارهای جدید اگر فقط یک اصل وجود داشته باشد، آن اصل این است که «راه طی شده در برجام را دوباره نباید رفت». تنها روشی که در این منطقه به هم ریخته برای ما امنیت خلق کرده، مقاومت هوشمندانه است. مقاومت در اینجا به معنای مصون شدن در مقابل فشارهاست. وقتی به این مرحله رسیدید تازه می‌توانید تعامل واقعی کنید اما وقتی نیازمند و آسیب‌پذیر باشید، تعامل، هرگز واقعی نخواهد بود و بدل می‌شود به امتیازگیری یک طرفه. تجربه برجام به ما می‌گوید وقتی نشان بدهید الگوی رفتار شما کارنامه آمریکا در عمل به تعهداتش چنین فاجعه‌بار است، درباره مسأله بزرگ‌تر منطقه و موشکی، آمریکا کارنامه بهتری خواهد داشت؟ اگر توافقی درباره برنامه موشکی انجام شد و بعد دوباره تحریم‌ها به

داغ، تلخ، جذاب؛ مثل شایعه

کرد؟

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دربارۀ توزیع کمک‌ها می‌گویند، با همکاری هلال احمر و استانداری و کمک‌های مردمی، کار توزیع چادر در دورافتاده‌ترین مناطق زلزله‌زده در بامداد چهارمین روز پس از زلزله به پایان رسید. غذا و آب و پتو آنقدری هست که بسیاری از کمک‌ها و آذوقه‌ها برای هفته‌های آتی ذخیره‌سازی شده است. هواپیمایی که توسط رسانه‌های مجازی ضدانقلاب، فرانسوی نامیده شده بود، «کارگو»ی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. کانال خبری منتشرکننده خبر کمک ولیعهد ابوظبی یک سایت دسته چند اماراتی (شبکه العربیه) بود که ابتدا با شبکه «العربیه» اشتباه گرفته شده بود ولی بلافاصله خبرش در میان تمام رسانه‌های امارات و ایران تکذیب شد.

عکس معرفی که به سلفی روحانی معروف با آوار به جای مانده از زلزله بود، مربوط به کلیبی بود که حجت‌الاسلام قاسمیان در آن از مردم برای کمک به زلزله‌زدگان طلب کمک می‌کرد. صادق زیباکلام هم درباره کم‌لطفی‌اش نسبت به ارگان‌های امدادرسان در گفت‌وگویی گفت: باید از

شاید بهتر باشد بیشتر فکر کنیم تا ببینیم چطور باید از بند شایعه‌سازی و شایعه‌بازی برهیم. شایعاتی که هم متولیان امر را دلسرد می‌کند و هم مردم را نگران و هم به غصه‌ناغدانان می‌افزاید، در کل عایدی‌ای جز تشویش اذهان عمومی برای کشورمان ندارد.

آموزش کاربردی ۳۰۰ ساعت

برای اولین بار در ایران

بازدید از مرکز ena فرانسه

سمینار کاربردی ۱۱ ساعت

کارگاه کاربردی ۲۴ ساعت

مورد کاوی بومی ۲۴ ساعت

ویژه آن‌هایی که می‌خواهند یکی از رهبران ملی تغییر باشند

MPPA

دوره عالی خط‌مشی‌گذاری عمومی ویژه رهبران ملی تغییر

مدیریت مالی | اقتصادی | مدیریت سیاسی | مدیریت فرهنگی

www.MPPA.ir

Mppa.asma

۰۲۱-۸۸۳۲۸۶۱۰

حیث‌ثبت نام عدد ۱ رابه شماره تماس ۰۹۲۰۳۵۷۸۱۴ ارسال نمایید

www.Hemmati10.com

هم‌مندی

اولین خیریه سایبری

مسأله محور در ایران

#۷۲۰*۶*۵*

۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰